

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شباهنگ راد
۱۸ می ۲۰۱۴

فاجعه‌ای دیگر در نظام سرمایه‌داری!

صدها کارگر معدن ذغال سنگ ترکیه در اثر بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری سودجویان و در زیر زمین، نزدیک به ۲ کیلومتری، جان خود را از دست دادند. پایانی در چنین ضایعات دردناکی در عصر کنونی نیست. سرمایه‌داران، امنیت جانی برای کارگران باقی نگذاشته‌اند و روزانه صدها تن دیگر در اثر سوانح متفاوت تلف می‌شوند و کسی و در چنین نظام‌هایی، نه تنها پاسخگو نیست، بلکه از جانب عناصر فاسد و دغلقاری همچون اردوغان اعلام می‌گردد که "مرگ کارگران معدن سوما ترکیه طبیعی" بوده است. به دلیل "طبیعت" چنین فاجعه‌ایست که مشاور وی و با وقاحت تمام، و با مشت و لگد به جان مخالفان دولت افتاد.

به عادت سرمایه‌داران تبدیل شده است و تفاوتی نیست که کارگر در کدامین سرزمین و در زیر سایه کدامین دولت "متمدن"، نیروی کار خود را - و آن هم با پائین‌ترین دست‌مزد - به فروش می‌رساند. نیاز حاکمان به سود و سرمایه بیشتر است و ما به ازای عملی آن برای کارگر، دریافت مزد کمتر و مقابله با مرگ "طبیعی"ی همچون آتش‌سوزی و انفجار در معادن متفاوت سرمایه می‌باشد. دامنه امنیت و آسایش کارگران را پائین می‌آورند تا بر دامنه امنیت و آسایش خود بیفزایند. این فلسفه و منطق سرمایه است و بروز چنین ضایعاتی را می‌باید، به پای جنایات بشر نوشت و قطعاً مسؤولین حقیقی آن‌ها کسانی همچون اردوغان و دیگر هم‌قطارانش در اقصا نقاط دنیا می‌باشند. البته که وقوع و بروز چنین رخدادهایی در زیر زمین و در معادن گوناگون خلاصه نمی‌شود و در روی زمین و در مراکز تولیدی، بارها و بارها سوانح "طبیعی" جان کارگران را گرفت و طبعاً این اولین انفجار و اهمال‌کاری از جانب سرمایه‌داران ترکیه نبوده است که جان کارگران را گرفت. پیشاپیش خود بلندگوهای سرمایه اعلام نموده‌اند که: "۱۳۰۰۰ کارگر معدن آن‌هم در سال ۲۰۱۳ دچار سانحه گردیدند". با این اوصاف و با ارائه چنین آماری - از جانب خودی‌هایشان - می‌توان به این حقیقت ادعائی اردوغان دست یافت که، این‌گونه سوانح و فجاج "طبیعی" به حساب آمده و در عوض این طبیعت آدمی و کارگر است که قادر به دوام و مقاومت هر چه بیشتر و آن‌هم در زیر زمین چند صد متری و مقابله با انفجارهای مهیب نمی‌باشد!!

براستی که تا چه زمان و مدت، باید در چنین شرایطی، کارگر از جان خود مایه بگذارد و ماحصل آن به جیب سرمایه‌دار رود؟ خاتمه و پایان چنین حوادث دست‌ساز، در چه زمان به سر خواهد آمد تا دنیای انسانی و بشری، فارغ از درد و مصیبت شود؟ تا چه زمان هزینه چنین رخدادهایی باید به کیسه کارگران رود و در عوض، بر عمر سرمایه‌دار و کارفرما، بیش از این گردد؟

در یک کلام پاسخ چنین وضعیت و مسببان چنین وقایع دردناکی، از آن حاکمان و سرمایه‌داران ترکیه است و بی‌جهت این جانیان بشریت چهره و قیافه انسانی به‌خود می‌گیرند و اظهار تأسف و همدردی با مردم و با خانواده بازماندگان

می‌کنند. کارگر و مردم برای‌شان فاقد ارزش‌اند و بی دلیل هم نیست که - در شرایط ورود ضربات روحی و غم و اندوه بر بازماندگان کارگران معدن سومای ترکیه -، سرکوبگران ترکیه، معترضان و همدردان کارگران را مورد ضرب و شتم قرار دادند. به باور ظالمان هم وقوع چنین رخدادهایی در دنیای سرمایه امری طبیعی، و هم سرکوب مردم و کارگران از جانب ارگان‌های حافظ منافع حاکمان امری عادی به حساب می‌آید. در چنین نظام‌هایی، هیچ قانون و مرجعی در خط و خطوط کارگران نیست و اعتراض جامعه انسانی و مردم، نسبت به بی‌مبالاتی و سهل‌انگاری مسئولین دولتی، برابر با تشدید خفقات، گسیل ارگان‌های سرکوب به خیابان‌ها و مشیت و لگدمال و بگیر و ببندهاست. عکس‌العمل دولت‌ها در قبال مطالبات و خواسته‌های مردم و کارگران در دنیای اجحاف و استثمار فراوان است و از یادها نرفته است که چگونه دولت بنگله دیش و آن‌هم بعد از سانحه آتش‌سوزی در کارخانه لباس که منجر به مرگ بیش از هزاران کارگر گردیده، به مخالفان دولت و سرمایه‌یورش آورده و به ضرب و شتم آنان پرداخته است. از یادها نرفته است که چگونه دولت افریقای جنوبی تعدادی از کارگران معدن پلاتین ماریکانا را که برای افزایش دست‌مزد، دست به اعتصاب زدند را به گلوله بست و جان نزدیک به ۴۰ کارگر را گرفت. این‌ها کار و بار سرمایه‌داران است و رنگ و پوست و منطقه و نژاد نمی‌شناسد و وظیفه‌شان حفاظت از طبقه انگل‌صفت و حاکمه است.

سرمایه‌دار بنا نیست تا به حقوق و به جان کارگران و زحمت‌کشان رسیدگی کند؛ بنا نیست تا زمینه بیش‌تر عمر کارگران را فراهم نماید و بر دامنه آسایش و امنیت جانی آنان بیفزاید. سرشت و ذات سرمایه در تضمین بی‌حقوقی و در وفاداری به استثمار بی‌حد و حصر و در تبانی زندگانی کارگران است. قانونش این‌گونه نوشته شده است و قادر به حرکت خلاف آن نیست. مرگ کارگر، به معنای افزایش طول عمر سرمایه‌دار است. کار بیش‌تر به معنای، سودآوری بیش‌تر برای سرمایه‌دار است و بازدارندگی و فقدان امکانات اولیه بهداشتی، شغلی و جانی کارگر، به معنای گسترش رفاه و آسایش برای هموعان و هم‌دیفش می‌باشد. تغذیه روزانه آن، در یورش به جان و مال کارگران و زحمت‌کشان می‌باشد و تا زمانی‌که چنین قانون و مناسباتی در جوامع متفاوتی همچون ترکیه حکم‌فرماست، اوضاع کاری کارگران معدن ترکیه و دیگر مراکز تولیدی این‌چنین خواهد بود و آینده دردناک‌تری در انتظارشان است. جان کارگر در عمارت ساخته شده سرمایه امنیت ندارد و دنیای کنونی اصلاً و ابداً، به درد کارگران نمی‌خورد و نیاز به زیر و رو شدن، و نیاز به تخریب بنیادی افکار و سوزاندن قانون نوشته شده‌اش دارد. مسلم است که پرتاب آن به جایگاه حقیقی‌اش، جامعه انسانی را از صدها بلیه اجتماعی و سوانح "طبیعی" به دور خواهد ساخت. سوانح "طبیعی"ی که عامل اصلی آن اردوغان و همه سرمایه‌داران‌اند و می‌باید پاسخگو و تآوان تمامی اعمال جنایتکارانه‌شان را باز پس دهند. سرمایه‌دار به دنبال کار ارزان در ازای بی‌امکاناتی، بی‌مسئولیتی و سودآوری بیش‌تر است. نهادها و سازمان‌های عریض و طویل متفاوت دارد، نهادها و سازمان‌هایی که، در خفا و آشکارا، به دنبال شکار و سرکوب مخالفان، معترضان و مدافعان کارگران معادنی همچون ذغال سنگ سومای ترکیه‌اند. سرمایه‌داران بسیار لجام گسیخته‌اند و همواره و همواره، با ریا و با دغ‌کاری، با بگیر و ببند و با سرکوب کارگران و دیگر زحمت‌کشان، در پی درازتر و بلندتر نمودن عمر خود اند. بی تردید این دنیای خواسته و ناخواسته سرمایه‌داران و کارگران باید دگرگون شود و دنیایی جایگزین آن گردد که جامعه بشری، بیش از این شاهد فجایع و ضایعات دردناکی همچون معدن ذغال سنگ سومای ترکیه نباشد.

۱۷ می ۲۰۱۴

۲۷ اردیبهشت [ثور] ۱۳۹۳